

پژوهشنامه ادب غنایی

دانشگاه سیستان و بلوچستان

سال ششم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۷

(صص: ۳۶-۵)

تشبیه مرکب در غزل سبک عراقی

دکتر حسین آقا حسینی*

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

دکتر محمود براتی** - عباس نیکبخت***

چکیده

بررسی و نقد و تحلیل تشبیه مرکب و بحث درباره ی انواع آن در غزل سبک عراقی، می تواند راهگشای علاقمندان به مطالعات ادبی جهت فهم بهتر آثار غنایی این دوره باشد. تا آن جا که بنده کنکاش نموده است، تحقیق مستقلی در این زمینه از سوی محققان صورت نگرفته است. بنابراین به منظور تحقق این هدف ۱۰٪ غزل های دوازده شاعر معروف و مؤثر این دوره (به جز غزلیات مولوی که به سبب گستردگی بیش از حد به ۵٪ بسنده شده است) مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته است. بسامد تشبیهات مرکب در دیوان شاعران این دوره، دارای اوج و حضیض است و با نزدیک شدن به پایان این دوره، از میزان تشبیهات مرکب در غزلیات کاسته می شود.

*Email: h.aghahosaini@yahoo.com

Email:

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

**mbk@itv.ui.ac.ir

دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

***Email:nikbakht_abbaz@yahoo.com

فراوانی این نوع تشبیه در شعر شاعرانی همچون سعدی، خواجه، کمال الدین اسماعیل، عراقی و عطار بیشتر از دیگران است؛ اما تنوع اغراض تشبیه که بیانگر نگرش فکری و جهان بینی شاعر است، در غزلیات مولانا از همه وسیع تر و گسترده تر است؛ ضمن این که حداقل یک سوی تشبیهات مرکب برخی از شاعرانی که شعرشان صبغه ی عرفانی دارد، از نوع عقلی است. سعدی در زمینه ی تشبیه مرکب تمثیلی و خواجه و انوری در تشبیه مرکب تخیلی از سرآمدان روزگار خود هستند.

واژگان کلیدی: سبک عراقی، تشبیه مرکب، تشبیه تمثیل، تشبیه مرکب تخیلی، توصیف، بیان حال.

مقدمه

مطالعه ی شعر فارسی در ادوار مختلف نشان می دهد که تا آغاز قرن ششم، غزل به صورت مستقل آن وجود ندارد و مضامین غزل در تغزل های قصاید یافت می شود. این تغزل ها در اوایل قرن ششم، به سبب کسادی بازار مدح، از قصیده جدا شد و قالب جدیدی در شعر به وجود آمد که شاعران در بیت تخلّص، به جای نام ممدوح، نام خود را ذکر کرده اند و به تبع آن مدح معشوق جایگزین مدح ممدوح و بیان عواطف و احساسات، جایگزین توصیف طبیعت شد.

مشهور است اولین کسی که به طور رسمی قالب غزل را در شعر خود وارد ساخت، سنایی غزنوی است. غزلیات او به طور کلی دو نوع است: یک دسته همان رنگ و بوی تغزل را دارد و همان است که بعد در سیر تکاملی خود از طریق انوری، ظهیر و کمال، در شعر سعدی به اوج خود می رسد و دسته ی دیگر اشعاری است اخلاقی یا به اصطلاح عارفانه که از طریق اشعار خاقانی، نظامی، عطار و مولوی شکوفا می شود (شمیسا، ۱۳۷۹: ۲۱۱-۲۰۹).

منظور از غزل سبک عراقی، دوره ای است که از ظهور سنایی غزنوی آغاز و با خاموشی ستاره ی درخشان ادب فارسی، حافظ شیرازی، پایان می یابد؛ اگر چه ممکن است در نظر بعضی، دامنه ی این سبک محدودتر یا وسیع تر از این باشد. در این بررسی، شاعرانی که در اصطلاح بین

بین قرار گرفته اند، نظیر سنایی و خاقانی و انوری، به سبب تأثیر در سبک عراقی، جزء سبک عراقی قلمداد شده اند.

مطالعه‌ی موردی هر یک از مباحث علم بیان، در دوره‌های مختلف ادب فارسی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و می‌تواند در زمینه‌ی شناخت و فهم هر چه بهتر آثار ادبی، اندیشه‌ها، باورهای ذهنی و نوع نگرش صاحبان آن آثار، مؤثر باشد. همچنین این شیوه می‌تواند در مطالعات سبک‌شناسی و نقد ادبی، راهگشای پژوهشگران عرصه‌ی ادب قرار گیرد. یکی از این مباحث که در ادب فارسی و ادبیات عرب از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و در کتاب‌های علم بیان به تفصیل درباره‌ی آن بحث شده، تشبیهِ مرکب است.

درباره‌ی این نوع تشبیهِ در ادب فارسی، ظاهراً تحقیق مستقلی صورت نگرفته است؛ تنها شفیع‌ی کدکنی در کتاب ارزشمند «صور خیال در شعر فارسی» (شفیع‌ی کدکنی، ۱۳۶۶: ۶۹ و ۸۴ ذیل تشبیهِ تمثیل) و طالبیان در کتاب «صور خیال در شعر شاعران سبک خراسانی» (طالبیان، ۱۳۷۸: ۴۵، ۱۱۲، ۱۴۸، ۲۵۸، ۲۷۹، ۲۹۲ و جداول آماری تشبیهِ) در بررسی شعر شاعران این دوره، مطالب پراکنده‌ای عنوان نموده‌اند.

روش تحقیق

چون بررسی همه‌ی غزلیات این دوره کاری بس دشوار و با زمان محدود ممتنع می‌نمود؛ بنابراین ابتدا ۱۰٪ از کل غزلیات هر شاعر (بجز غزلیات شمس که به سبب گستردگی بیش از حد به ۵٪ پسندیده شده است) فیش برداری و سپس تجزیه و تحلیل شده و سرانجام به شیوه‌ی تحلیلی - مقایسه‌ای و رسم نمودار و جداول لازم، جایگاه تشبیهِ مرکب در غزل سبک عراقی تبیین گردیده است.

بحث

درباره‌ی تشبیهِ مرکب و تعریف و محدوده‌ی آن در همه‌ی کتب بلاغی، که از موضوعات علم بیان بحث کرده اند، مطالبی آمده است که کمابیش شبیه به هم است و در تعریف اختلاف

چندانی دیده نمی‌شود. آنچه موجب تفاوت است، مصادیق و مثال‌های ذکر شده در این کتب است که گاه نویسندگان در تشخیص به اشتباه افتاده‌اند و مثلاً تشبیه متعدد و مقید را مرکب دانسته‌اند؛ البته برخی نیز گاهی از تشبیه متعدد با نوعی استدلال و توجیه به تشبیه مرکب تعبیر نموده‌اند (تجلیل، ۱۳۶۸: ۴۴-۴۳).

تشبیه مرکب، تشبیهی است که اولاً وجه شبه در آن از اموری چند منتزع شده و ثانیاً این وجه شبه همواره تأویلی باشد. نمونه‌ی بسیار بارز این نوع تشبیه در قرآن کریم آیه‌ای است که در احوال یهود نازل شده است: مثل الذین حملوا التوراه ثم لم یحملوها کمثل الحمار یحمل اسفاراً. که وجه شبه تأویلی «جهل و نادانی» از مجموعه اموری همچون «خر»، «اسفار» و «حمل» بی‌فایده‌ی آن توسط خر، اخذ شده است (جرجانی، ۱۳۶۱: ۵۸-۵۵). لازم به توضیح است که هر تشبیهی که وجه شبه آن تأویلی باشد، الزاماً تشبیه مرکب نیست؛ بلکه حتی در تشبیهات مفرد و مقید نیز ممکن است وجه شبه مؤول وجود داشته باشد. مثل تشبیه برهان به خورشید (همان: ۵۲-۵۱). بدیهی است که در تشبیه مرکب هیأت منتزع و اجزای ترکیب باید با هم پیوند داشته باشد و نباید جدا از هم در نظر گرفته شود؛ چرا که لطف و زیبایی تشبیه از بین خواهد رفت و اگر قرار باشد اجزای ترکیب جدا جدا و در مقابل هم قرار گیرد، شاعر نیازی به اختراع تشبیه مرکب نخواهد داشت و منظور و مقصود خود را می‌تواند با تشبیه متعدد بیان دارد:

عکس شکوفه ز شاخ بر لب آب اوفتاد راست چو قوس قُزَح بر گذر کهکشان

(خاقانی، ۱۳۷۴: ۳۳۱)

بنابراین در مثال بالا نمی‌توان گفت «عکس شکوفه» به «قوس قُزَح» و «آب» به «کهکشان» تشبیه شده است؛ بلکه «تصویر شکوفه‌ی (رنگین) افتاده در آب» به «رنگین کمسانی که در کنار کهکشان راه شیری قرار گرفته» تشبیه شده است، پس هر کدام از مشبّه و مشبّه به، حداقل دارای دو جزء تفکیک‌ناپذیر است که با قرینه‌سازی، تصویری متشکل از چند جزء به وجود می‌آورد.

نکته‌ی دیگر این که گاهی در تشبیهات مرکب، بعضی از اجزای فرعی در دو طرف تشبیه، محذوف است (به دلیل تنگناهای وزنی و یا هر دلیل دیگر) و خواننده‌ی محقق باید آن اجزای محذوف را در ذهن خود مجسم نماید. مثلاً در مثال بالا قرینه‌ی «شاخ و برگ سبز بوته‌ی گل» در مصرع دوم که حکم مشبّه به را دارد، ذکر نشده است؛ ولی ما در ذهن خودمان رنگ نیلگون آسمان را که قوس قزح در پهنه‌ی آن ظاهر می‌شود، مجسم کرده و به جای شاخ و برگ سبز بوته‌ی گل قرار می‌دهیم.

تشبیه مرکب حکایت از خلاقیت و پیچیدگی‌های ذهنی و تخیلی شاعر دارد و نشان می‌دهد که شاعر از مفاهیم ساده و تکراری در می‌گذرد و اندیشه‌های خود را به صورت پیچیده‌تری مطرح می‌کند. بنا براین شاعرانی که در شعرشان، نسبت به دیگران، بیشتر از تشبیه مرکب استفاده کرده اند، ضمن این که ذهن تخیلی و نیرومندی دارند، از نوعی خودآگاهی اندیشه نیز برخوردارند؛ چراکه لازمه‌ی چنین واژه‌ها در کنار هم و خلق تصاویر ترکیبی، همانا داشتن خودآگاهی ذهنی است. شاید بتوان میزان اندک تشبیهات مرکب در شعر شاعران عارف مسلک را با این نظر توجیه کرد؛ زیرا آن‌ها در هنگام سرودن اشعار عرفانی، گرفتار نوعی خلصه‌ی معنوی می‌شوند و در این وضعیت روحی و روانی، خلق تصاویر ترکیبی قدری دشوار می‌نماید. در تشبیه مرکب، لزوماً یکی از طرفین تشبیه مرکب است، اما سوی دیگر آن ممکن است مفرد، مقید و یا مرکب باشد. بنابراین از جنبه‌ی فرضی و نظری، تشبیه مرکب ممکن است به یکی از شکل‌های زیر پدید آید:

مشبّه به	مشبّه
مرکب	مرکب
مقید	مرکب
مفرد	مرکب
مرکب	مقید
مرکب	مفرد

قبل از ورود به بحث اصلی و بررسی تشبیه مرکب در غزل شاعران این دوره، جهت آمادگی ذهنی خوانندگان به ارائه‌ی جداول آماری و بررسی و تحلیل آن و نیز ترسیم نمودار فراوانی این نوع تشبیه در غزل شاعران سبک عراقی پرداخته می‌شود.

جدول مقایسه‌ای تشبیه مرکب در غزل شاعران سبک عراقی بر اساس ۱۰ درصد کل غزل‌ها

شاعر	تعداد غزلها	مرکب به مرکب	مقید	مفرد به مرکب	مقید به مرکب	نسبت تشبیه	حسی به حسی	عقلی به عقلی	عقلی به حسی	حسی به حسی	تشبیه تمثیل	جمع
		مرکب	مقید	مفرد	مقید	مرکب به تعداد غزل (درصد)	عقلی	عقلی	عقلی	عقلی		
سنایی	۴۰	۴				۱۰	۲		۲		۱	۴
خاقانی	۳۳	۲				۷		۲			۱	۲
انوری	۳۲	۴	۱			۱۶			۳	۲	۱	۵
عطار	۸۷	۴	۳	۲	۶	۱۸	۱	۹	۷			۱۶
جمال‌الدین عبدالرزاق	۱۷	۱				۶				۱	۱	۱
کمال‌الدین اسماعیل	۱۶	۵		۱		۳۷		۶				۶
مولوی	۳۰۰	۱۸	۱	۶	۱۳	۱۴	۴	۱۸	۱۷	۱	۳	۴۲
سعدی	۶۸	۲۹	۲	۱		۴۹	۱	۵	۱۸	۸	۱۹	۳۳
عراقی	۳۱	۴	۱	۱		۲۲		۴	۳		۲	۷
خواجه	۸۱	۲۶	۱		۳	۳۹	۲	۱۵	۹	۸	۱۳	۳۲

از جدول فوق می‌توان دریافت که هرچه از آغاز این دوره دورتر می‌شویم (با اندکی تسامح) بر میزان تشبیهات مرکب افزوده می‌شود و این روند به ترتیب زمانی، مخصوصاً در غزلیات عطار، کمال، سعدی، عراقی و خواجه نمود بیشتری دارد؛ اما در اواخر این دوره، این سیر معکوس شده و از میزان تشبیهات مرکب کاسته می‌شود. از جنبه‌ی جغرافیایی نیز بسامد تشبیه مرکب در غزل شاعران منطقه‌ی عراق عجم، به نسبت بالاتر از شاعران خراسانی است. نسبت تشبیهات مرکب به مرکب به سایر تشبیهات که یک طرف آن‌ها مرکب است، از بسامد بالاتری برخوردار است و این به طور کلی از پیچیدگی‌های خیال و خلاقیت ذهنی شاعران این نشان دوره دارد.

بسامد بالای تشبیهات مرکب حسی به حسی و عقلی به حسی، در جدول فوق، نشانی از ذهن استعاره- گرای شاعران این دوره است.

فراوانی بالای تشبیه مرکب در شعر سعدی، خواجو و کمال اسماعیل، این سه شاعر را از دیگران ممتاز می کند و میزان بالای تشبیهات حسی به حسی و عقلی به حسی آن ها نشان می دهد که این سه، شاعر توصیف امور عینی اند تا اهل تجربه های باطنی و امور متافیزیکی. در پایان این دوره با نوعی تغییر سبک نسبت به تشبیه مرکب رو به رو هستیم، به گونه ای که از میزان تشبیهات مرکب کاسته و اقبال و گرایش به تشبیهات مفرد و مقید بیشتر می شود؛ چنان که این موضوع در غزلیات سلمان و حافظ به خوبی آشکار است.

بررسی ها نشان می دهد که شاعران قرن هفتم و هشتم گرایش خاصی به تشبیه تمثیل دارند و در میان آن ها سعدی در این زمینه سرآمد همه است: اما مولانا از این قضیه مستثنی است و شاید سبب آن فی البداهه سرودن غزلیات از جانب وی باشد که فرصت کافی را برای تمثیل گویی به او نداده است. این مسأله حتی در مورد فراوانی تشبیهات مرکب وی نیز صادق است. همان طور که در جدول بالا مشاهده می شود، خانه های جدول انواع تشبیه مرکب، در غزلیات عطار و مولوی و تا حدودی عراقی و خواجو پر شده و تکمیل است و این نشان می دهد که شاعران با آگاهی قبلی نسبت به مباحث صور خیال و تقسیمات آن، سعی داشته اند در سرودن همه ی انواع تشبیه مرکب هنرنمایی کنند. خالی بودن مربع های جدول در سایر شاعران، نشانه ی بسامد پایین این نوع تشبیه در شعرشان باشد.

جدول موضوعی تشبیهات مرکب در غزل سبک عراقی

شاعر	تعداد غزل‌ها	توصیف	بیان حال شاعر	مدح	مفاهیم خاص عرفانی	اطلاعات نجومی	جمع
سنایی	۴۰	۲	۲				۴
خاقانی	۳۳		۲				۲
انوری	۳۲	۳	۲				۵
عطار	۸۷	۴	۸	۲	۲		۱۶
جمال‌الدین عبدالرزاق	۱۷		۱				۱
کمال‌الدین اسماعیل	۱۶	۳	۳				۶
مولوی	۳۰۰	۲۸	۸	۲	۳	۲	۴۳
سعدی	۶۸	۱۳	۲۰				۳۳
عراقی	۳۱	۴	۳				۷
خواجو	۸۱	۲۳	۸				۳۱
سلمان ساوجی	۴۴	۱	۲				۳
حافظ	۴۹	۳	۴	۱			۸
جمع	۷۹۸	۸۴	۶۳	۵	۵	۲	۱۵۹

جدول بالا بیانگر آن است که بسامد موضوعات توصیفی (توصیف طبیعت، اشیاء، مسائل معنوی، معشوق و...) نسبت به بقیه‌ی موضوعات در مرتبه‌ی بالاتری قرار دارد. در این میان، شاعرانی همچون مولوی و خواجو بیشتر به وصف و کسانی نظیر سعدی و عطار بیشتر به بیان حال تمایل نشان داده‌اند.

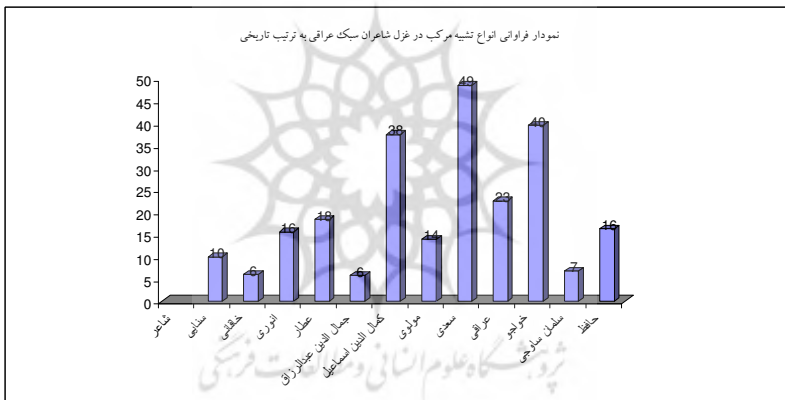
گرایش شاعران این دوره به غزل سرایی سبب شده است که موضوع مدح در تشبیهات مرکب آن‌ها بسیار کم رنگ جلوه کند؛ زیرا حوزه‌ی مدح بیشتر با قصاید مدحی سازگار است تا غزل‌های عاشقانه و عارفانه. همچنین مفاهیم خاص عرفانی در تشبیه مرکب این دوره اندک است و این موضوع در سایر صور خیال نمود بیشتری دارد. به نظر می‌رسد تشبیه مرکب برای بیان مفاهیم عرفانی به اندازه‌ی مفاهیم توصیفی کارایی نداشته باشد.

با توجه به محیط پرآشوب اجتماعی و سیاسی و حاکمیت تفکر قضا و قدری و جبری، شاعران این دوره، کمتر به امور فلکی و نجومی در این نوع تشبیه پرداخته‌اند و این مسأله در

نوع خود مایه‌ی اعجاب و شگفتی است. شاید ریختن اندیشه‌های ترکیبی و تمثیلی نجومی در قالب این نوع تشبیه، برای شاعران سخت و دشوار بوده است؛ چنان که در تشبیهات مفرد و مقید، بسامد اندیشه‌های فلکی و نجومی در این دوره قابل توجه است.

در ادامه توضیحات جداول فوق، نمودار زیر نسبت تشبیه مرکب در ۱۰۰ غزل هر

شاعر را نشان می‌دهد:



بررسی تشبیه مرکب در شعر شاعران سبک عراقی به ترتیب تاریخی

۱- سنایی

بررسی‌ها نشان می‌دهد که بسامد تشبیه مرکب در سبک خراسانی بیش از سبک عراقی است (ر. ک طالبیان، ۱۳۷۸، جداول آماری تشبیهات)؛ اما سنایی با وجود آن که هنوز فاصله‌ی چندانی با دوره‌ی سبک خراسانی ندارد، این تشبیهات در غزل او اندک است. فراوانی این نوع تشبیه در غزل سنایی در جدول مقایسه‌ای تشبیه مرکب حدود ۱۰٪ است که قابل توجهی نیست. در مطالعه‌ی چهل غزل از میان چهارصد غزل وی، تنها چهار مورد تشبیه مرکب به مرکب به دست آمد که برخی در توصیف و برخی در بیان حال شاعر است:

با خط مشکین ز سیمین عارضی کایزد نهاد مورچه گویی به عمدا بررهی بیضا گذشت
(سنایی، ۱۳۸۵: ۸۳۳)
آویخته شد دلم نگو نساار همچون سرزلفت از بر دوش
(همان: ۹۱۰)

با توجه به بسامد اندک تشبیهات مرکب در غزل سنایی، می‌توان دریافت که او در غزل شاعری است دارای ذهنی ساده و به دور از پیچیدگی‌های خیال که هنوز کوششی جدی از جانب وی در جهت خلق اندیشه‌ها و مضامین خیالی نو - بخصوص در زمینه‌ی تشبیه مرکب - صورت نگرفته است.

۲- خاقانی

بسامد تشبیه مرکب غزل خاقانی در جدول مقایسه‌ای این تشبیه حدود ۶٪ است و به نظر می‌رسد که غزل او در زمینه‌ی تشبیه مرکب حتی از دیوان سنایی نیز فقیرتر است؛ البته این مطالعه در غزل وی صورت گرفته و ممکن است این مسأله در مورد قصاید او صادق نباشد. در بررسی ۳۳ غزل خاقانی تنها دو مورد تشبیه مرکب به مرکب یافت شد که هر دو مورد در موضوع بیان حال شاعر است و از توصیف و دیگر موضوعات خبری نیست. مرا با عشق تو دردل‌هوی جان‌نمی گنجد مرا یک‌رخش در میدان دو رستم بر نمی‌تابد
(خاقانی، ۱۳۷۴: ۵۹۲)
در این بیت شاعر عشق ورزی خود نسبت به معشوق را با عناصر قهرمانی و ملی در آمیخته و تصویری تازه و نو ارائه داده است.

۳- انوری

حاصل کنکاش ۳۲ غزل انوری، چهار تشبیه مرکب به مرکب و یک تشبیه مرکب به مقید است که سه مورد توصیف و دو مورد در بیان حال شاعر است. فراوانی تشبیه مرکب در غزل

انوری حدود ۱۶٪ است که از این نظر پیشرفت قابل ملاحظه‌ای نسبت به شعرای پیش از خود داشته است.

تصاویر تشبیهات مرکب انوری از شاعران پیشین زیباتر است و خلاقیت بیشتری در آن‌ها دیده می‌شود و گویی این تشبیهات سرآغازی است به نگرش جدیدی از تشبیه مرکب، که همان خلق تصاویر نو و ابداعی است.

برخی از تشبیهات مرکب سنایی را با خیال نو، تقلید کرده است. از مقایسه ی دو بیت زیر این امر کاملاً مشهود است:

با خط‌مشکین زسیمین عارضی کایزد نهاد مورچه گویی به عمد ابر روی بیضا گذشت
(سنایی، ۱۳۸۵: ۸۳۳)

خط‌تو برخد تو چو بر شیر پای مور زلف تو بر رخ تو چو بر می پر غراب
(انوری، ۱۳۷۶: ۷۷۰)

در بیت بالا انوری با واژه‌های متضاد، تصویر خیالی جالبی در وصف زیبایی محبوب خویش ساخته است.

بر عارض تو حلقه‌ی زلف تو گویا کز مشک چشم هاست به گلبرگ تر رقم
یا سلسله است از شبه برگرد آفتاب یا بیخ‌های شب‌زده بر روی آفتاب
(همان: ۸۷۱)

دردو بیت بالا نیز که با استفاده از تشبیه مرکب و جمع خلق شده است، شاعر تصویری نو و ابداعی ارائه کرده است و مخصوصاً مشبّه به بیت اول خواننده را به یاد تصاویر خیالی سبک هندی می‌اندازد.

ای دردلم خیال تو شکی به از یقین وی در سخن لب‌تو وجودی کم از عدم
(همان: ۸۷۱)

در بیت بالا شاعر با یک تشبیه مرکب به مقید، تصویری پارادوکسی و زیبا، در بیان حال خود و توصیف معشوق خلق کرده است.

فتوحی دوره‌ی سبک عراقی را سرآغاز خلق تصاویر پارادوکسی می‌داند که قدیمی‌ترین نمونه‌های آن در آثار سنایی یافت شده‌است و پس از وی در شعرشاعرانی همچون عطار، مولوی و حافظ و در سبک هندی در شعر بیدل دهلوی، زبان پارادوکسی در اوج زیبایی و قدرت، نمایان می‌شود. تصویر پارادوکسی، حامل تجربه‌ای شخصی و شهودی‌است و مانند نماد و اسطوره، حکایت از کشف حقیقتی ناشناخته دارد و در شعر متافیزیکی و عرفانی این دوره که تجسم جهان بی رنگ و شکل است، جایگاه خاصی دارد (فتوحی، ۱۳۸۵: ۳۳۱-۳۳۰).

نمونه‌های زیر از مولوی و خواجو نشان دهنده‌ی رواج تصاویر پارادوکسی در تشبیه مرکب این دوره است:

از همه من گریختم گرچه میان مردمم چون به میان خاک‌کان نغده‌ی زرّ جعفری
(مولوی، ۱۳۵۵: ۲۱۹)

زلف‌مشکین چون براندازد زرخ ز روشن در شب تاریش بین
(خواجو، ۱۳۷۴: ۴۷۵)

۴ - عطار نیشابوری

گسترده‌ی تشبیه مرکب در غزلیات عطار به نسبت شاعران قبلی سبک عراقی بیشتر است؛ چنان که در بررسی هشتاد و هفت غزل از دیوان او به شانزده مورد از انواع تشبیه مرکب برخوردیم، که چهار تشبیه، مرکب به مرکب، سه تشبیه مرکب به مقید، دو تشبیه مرکب به مفرد، شش تشبیه مفرد به مرکب و یک تشبیه از نوع مقید به مرکب است. از لحاظ آماری در ۱۸٪ غزل‌های عطار تشبیه مرکب وجود دارد؛ در حالی که در غزل انوری که از نظر زمانی به او نزدیک است، این رقم به ۱۶٪ و در غزل سنایی که در مشرب عرفانی با او مشترک است به ۱۰٪ می‌رسد.

مرده‌چگونه بر سر دریا فتد ز قعر من در میان آتش عشقت چنان شدم
(عطار، ۱۳۷۵: ۴۰۹)

تشبیه فوق از نوع مرکب به مرکب و بدیع و تازه است؛ زیرا تصویری که در نگاه اول از مرده به ذهن منتقل می‌شود، سکون و عدم تحرک است؛ ولی شاعر این مرده را بر روی آب دریا قرار می‌دهد تا جنبش و حرکت به آن بیخشد و بدین طریق بی قراری و اضطراب خویش از قرار گرفتن در میان آتش عشق معشوق و نیز فنای اراده‌ی عاشق را در اراده‌ی معشوق به نمایش گذارد و یادآور این بیت مثنوی باشد:

ما همه شیران ولی شیر علی حمله مان از باد باشد دم به دم

(مولوی، ۱۳۶۸: ۶۰۳)

ای در سرم سودای تو، جان و دلم شیدای تو گردون به زیر پای تو چون خاک ره خوار آمده

(عطار، ۱۳۷۵: ۵۸۹)

در بیت بالا تشبیه از نوع مرکب به مقید است و در آن واژه‌ی مشترکی وجود دارد که مشبّه به مقید را به سوی مرکب بودن سوق می‌دهد. درباره‌ی این نوع تشبیه بعد از این در بخش تشبیهات مرکب مربوط به مولانا توضیحاتی خواهد آمد.

حلقه ای یافتم دو عالم را دل در آن حلقه چون نگین دیدم

(همان: ۴۱۷)

تشبیه فوق از نوع مرکب به مفرد است که البته این نوع تشبیه از جهت منطقی و شیوه‌ی معادله نباید وجود داشته باشد و از موارد نادر به حساب می‌آید؛ زیرا که وجه شبه همواره از مشبّه به اخذ می‌شود و برای مشبّه مرکب باید وجه شبه مرکب در نظر گرفته شود، مگر آن که در ذهن خود محذوفی برای مشبّه به متصور شد، که این نیز در همه‌ی موارد صادق نیست. وجه شبه در چنین تشبیهاتی غالباً مفرد و تأویلی است.

در ضمن علمای علم بلاغت، برخی به تصریح (الهاشمی، ۱۳۷۵: ۲۵۲) و بعضی به تلویح، همچون شمیسا که مثالی از این نوع ذکر نکرده است، اعتقادی به این نوع تشبیه ندارند. از دقت در دیگر کتب بلاغی این نکته به خوبی روشن می‌شود که مثال‌هایی که در آن‌ها در باب تشبیه

مرکب به مفرد آمده، معمولاً از نوع مرکب به مقید است، نه مرکب به مفرد. تنها استاد همایی یک بیت بدون ذکر نام شاعر از این نوع، در اثر خویش آورده است:

پیاله در کف ساقی چو خورشید دل اندر سینه ی من چون کیوتر

(همایی، ۱۳۷۳: ۱۴۷)

مثال های زیر به ترتیب از نوع مفرد به مرکب و مقید به مرکب، در موضوع وصف و بیان حال شاعر است:

نی چه می گویم فلک گویی است بس در خم آن زلف چون چوگان که هست

(عطار، ۱۳۷۵: ۷۵)

چون گل یکروزه در میانه ی صد خار بر سر پایم نشسته سر چه فرازم

(همان: ۴۴۲)

در شکم چون زند آن طفل نفس من بی خویش چنان خواهم زد

(همان: ۱۷۵)

۵ - جمال الدین عبدالرزاق

دیوان عبدالرزاق در زمینه ی تشبیه مرکب بسیار فقیر و بسامد آن در جدول مقایسه ای حدود ۶٪ است؛ چنان که در بررسی هفده غزل او تنها یک تشبیه مرکب به مرکب عقلی به عقلی یافت شد که در بیان حال و به شیوه ی اطناب در دو بیت سروده شده و چندان لطف و زیبایی در آن دیده نمی شود.

دل چوره آن لب خندان گرفت

باک ندارد ز سر زلف او

کش هوس چشمه ی حیوان گرفت

کز ظلمات ایچ نیندیشد آن

(جمال الدین، ۱۳۷۹: ۴۶۵)

۶- کمال الدین اسماعیل

پنج تشبیه مرکب به مرکب و یک تشبیه مرکب به مفرد حاصل مطالعه‌ی شانزده غزل از دیوان کمال است که در دو موضوع توصیف و بیان حال شاعر سروده شده است. فراوانی تشبیه مرکب در غزل کمال الدین با حدود ۳۸٪ قابل توجه است و از این نظر بعد از سعدی و خواجه، رتبه‌ی سوم را در جدول مقایسه‌ای به خود اختصاص داده است.

غالب تشبیهات وی حسی به حسی است و شیوه‌ی ترکیب سازی او، تشبیهات مرکب منوچهری را در خاطر زنده می‌کند و باید گفت که الگوی تمام عیار شاعر در زمینه‌ی خلق تشبیهات مرکب؛ همانا تصاویر ترکیبی منوچهری دامغانی است.

تو گویی آتش افتاده است در خار ز بس گل‌ها که از گلبن شکفته است
(کمال، ۱۳۴۸: ۷۳۷)

ز اشک لعل من در چهره‌ی زرد معصفر بر کنار زر کشیدی
(همان: ۷۱۸)

زند خوان همچو مغان بر سر شاخ چون کند زمزمه‌ها می‌جنبید
(همان: ۷۸۲)

نکته‌ی جالب در مورد بیت بالا این است که علی‌رغم مفرد بودن مشبّه به، وجه شبه؛ یعنی جنبیدن و زمزمه کردن (حرکت توأم با آواز) مرکب است و این از موارد نادر و استثنایی است؛ ضمن این که تعدد وجه شبه را نیز نمی‌توان از نظر دور داشت.

از مقایسه‌ی پدر و پسر در زمینه‌ی تشبیه مرکب، می‌توان فهمید که پسر (کمال) از جنبه‌ی صور خیال بر پدر (جمال الدین) پیشی جسته و ذهنی‌خلاق‌تر دارد و صفت خلاق‌المعانی بودن برارنده و شایسته‌ی اوست.

۷- مولوی

گسترده‌گی انواع تشبیه مرکب در غزل مولانا حدود ۱۴٪ است که در مقایسه با شاعر عارف دیگر این دوره؛ یعنی عطار، با حدود ۱۸٪ در مرتبه ی پایین تری قرار دارد. در بررسی حدود سیصد غزل او چهل و دو تشبیه مرکب از انواع مختلف آن، یافت شد. تشبیهات مرکب مولانا به طور کلی در موضوعات توصیف، بیان حال شاعر، مدح معشوق، اطلاعات نجومی و مفاهیم عرفانی است، که از این نظر شباهت زیادی میان او و عطار وجود دارد؛ با این تفاوت که اغراض تشبیه در غزل مولانا بسیار گسترده‌تر و وسیع‌تر از عطار است. در باب عقلی وحسی بودن تشبیهات نیز، تشبیهات مرکب مولانا، بیشتر از نوع عقلی است تا حسی، و این به سبب آمیختگی مضامین عرفانی و معنوی در تشبیهات اوست.

عاشقی در خشم شد از یار خود معشوق وار گزاری در خشم شد از آفتاب نامدار
(مولوی، ۱۳۵۵: ۲۹۲)

این بیت از نوع تشبیه تمثیل است و خشم عاشق از معشوق را به این تشبیه کرده است که رخشویی از آفتاب خشم بگیرد؛ در حالی که او به آفتاب نیاز دارد تا آنچه شسته است، خشک کند. شاعر در این تشبیه عاشق را در برابر معشوق ناچیز جلوه داده است (فاطمی، ۱۳۶۴: ۱۱۴).

چو موسی که نگرفت پستان دایه که با شیر مادر بدش آشنایی
ز صد گور کرد مجنون و بگذشت که در بو شناسی بدش آشنایی
(مولوی، ۱۳۵۵: ۱۲)

در غزلیات مولانا تشبیهاتی دیده می شود که از جنبه ی ساختار صوری در دو بیت (یک بیت مشبه و یک بیت مشبه به) و به صورت اطناب سروده شده؛ ولی از نظر معنی ایجاز دارند، در تشبیه اخیر داستان حضرت موسی (ع) و فرعون و عشق مجنون به لیلی در نهایت ایجاز بیان شده است.

نمونه‌های دیگری از تشبیهات مرکب به مرکب در غزل مولوی:

چون درون طره اش درافتم دل را عجب در درون مشک رفتم عنبری را یافتم

(همان، ج سوم: ۲۹۰)

نکته‌می‌گویی در حلقه‌ی مستان خراب خوش بود گنج که در تابعد در ویرانی

(همان، ج ششم: ۱۵۹)

گرد فنا گردد جان فقیر بر مثل آهن و آهن ربا

(همان، ج اول: ۱۶۳)

نمونه تشبیه مرکب به مقید:

درون خرقة ی صد رنگ قالب خیال باد شکل آبگونم

(همان، ج سوم: ۲۴۹)

تشبیهات مرکب به مفرد:

این مفرش آن کیوان، اف لاک و رای آن در کفّ خدا لرزان، ماننده ی سیمایی

(همان، ج پنجم: ۲۸۲)

جبریل پرده دار است، مردان درون پرده در حلقه شان نگینم، در حلقه چون درآیم

(همان، ج چهارم: ۳۱)

همان گونه که قبلاً بحث شد، این نوع تشبیه از جنبه‌ی منطقی نباید وجود داشته باشد و مثال‌هایی که از شعر عرب در کتاب‌های بلاغت ذکر شده از نوع مرکب به مقید است، نه مرکب به مفرد.

در این تحقیق یکی از تفاوت‌های ادب فارسی با ادبیات عرب در زمینه‌ی بلاغت روشن می‌شود و آن این که در ادبیات فارسی، بر خلاف ادبیات عرب، تشبیه مرکب به مفرد، اگر چه با بسامد پایین وجود دارد. بسامد این تشبیه مخصوصاً در غزل عطار و مولانا بیشتر از دیگران است.

نکته‌ی دیگر درباره‌ی تشبیه مرکب به مفرد - که بخصوص در غزلیات مولانا نمود بیشتری دارد- این است که ترکیب اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها به شیوه‌ای است که به ظاهر مرکب به مفرد، ولی در تأویل مرکب به مرکب است، یعنی یک واژه‌ی مشترک در تشبیه آورده می‌شود که قابل اضافه شدن به بخش مفرد تشبیه است و آن را به سوی مرکب بودن سوق می‌دهد. این شیوه به سبب بسامد بالا، می‌تواند نوعی خصوصیت سبکی در تشبیه مرکب غزلیات مولوی و تا حدودی عطار، به شمار آید. در دو بیت بالا واژه‌های «کف» و «حلقه» چنین نقشی را به عهده دارند.

نمونه‌هایی از تشبیهات مفرد به مرکب:

تو آن مردی که او بر خر نشسته است همی پرسد ز خر این را و آن را

(همان، ج اول: ۶۶)

گفتی چونی؟ چنان که ماهی افتاده میان ریگ سوزان

(همان، ج چهارم: ۱۷۸)

موری است نقب کرده میان سرای عشق هر چند بی پر است، به پرواست آرزو

(همان، ج پنجم: ۷۷)

چرا چون ابر بی باران به پیش‌مه‌ترنجیدی؟ چرا همچون مه تابان بر این عالم نمی‌گردی؟

(همان، ج پنجم: ۲۳۱)

چراغیست تمییز در سینه روشن رهاند تو را از فریب و دغایی

(همان، ج هفتم: ۱۲)

تشبیهات مفرد به مرکب، همچون تشبیهات مرکب به مرکب در غزل مولانا از بسامد بالایی برخوردار است؛ چنان که در غزل‌های مورد بررسی، چهارده تشبیه از این نوع یافت شد. موضوعات این نوع تشبیهات نیز همان موضوعات تشبیهات مرکب به مرکب است و تفاوت چندانی از این نظر وجود ندارد.

نکته‌ی قابل توجه در مقایسه‌ی تشبیحات مرکب به مرکب و مرکب به مفرد با تشبیحات مفرد به مرکب این است که از جنبه‌ی عقلی و حسی بودن، تفاوت معنی داری میان آنها وجود دارد؛ چنان که تشبیحات نوع اول، بیشتر عقلی به حسی و یا عقلی به عقلی است، اما تشبیحات مفرد به مرکب عموماً حسی به حسی است و در مواردی که یک طرف آن عقلی است، یکی از اجزای تشکیل دهنده‌ی آن محسوس است و تشبیه را به سوی حسی بودن می کشاند.

نمونه‌هایی از تشبیحات مقید به مرکب:

تو چو باز پای بسته، تن تو چو کنده بر پا تو به چنگ خویش باید که گره ز پا گشایی

(همان، ج ششم: ۱۳۶)

به خواب هم نتوان دید خواب چشم مرا چو مرده‌ای که درافتاد در نمکساری

(همان، ج ششم: ۲۹۶)

۸- سعدی

بسامد تشبیه مرکب در غزلیات سعدی با حدود ۴۹٪ در بالاترین سطح در میان غزل‌های شاعران سبک عراقی قرار دارد. از بررسی ۶۸ غزل وی، ۳۳ تشبیه مرکب شامل: ۲۹ تشبیه مرکب به مرکب، دو تشبیه مرکب به مقید، یک تشبیه مرکب به مفرد و یک تشبیه مقید به مرکب به دست آمد. شاید ساختار ظاهری و نحوی غزل سعدی، که ماهیتی نثر گونه و در عین حال سهل ممتنع دارد، به بسامد بالای تشبیه مرکب در غزل او کمک کرده باشد.

تشبیحات مرکب او به طور کلی در وصف و بیان حال شاعر است و مضامین عشق ورزی به خوبی در آنها پیداست.

نمونه‌هایی از تشبیحات مرکب به مرکب:

آب و آتش خلاف یکدگرند نشنیدیم عشق و صبر انباز

(سعدی، ۱۳۶۳: ۲۳۸)

غم عشق آمد و غم‌های دگر پاک ببرد / سوزنی باید کز پای برآرد خاری

(همان: ۴۵۷)

مجال خواب نمی باشدم ز دست خیال / در سرای نشاید بر آشنایان بست

(همان: ۳۳)

زدوستان که تو را هست جای سعدی نیست / گدا میان خریدار در نمی گنجد

(همان: ۲۰۳)

باور از بخت ندارم که تو مهمان منی / خیمه‌ی پادشه آنگاه فضای درویش؟!

(همان: ۲۶۳)

گر درون سوخته ای با تو برآرد نفسی / چه تفاوت کند اندر شکرستان مگسی

(همان: ۴۷۵)

از مطالعه تشبیهات مرکب سعدی این نکته به خوبی پیداست که او در این زمینه نسبت به شعرای سابق خود و حتی معاصرانش، صاحب سبک و سرآمد آنهاست.

یکی از خصوصیات تشبیهات مرکب او مضمّر بودن اکثر آنهاست، که حکایت از قوت خیال و ذهن خلاق وی دارد. بدیهی است که هر چه تشبیه پنهان تر باشد، کوشش ذهنی ما برای کشف رابطه یا رابطه‌های نهفته میان مشبّه و مشبّه به بیشتر خواهد بود و در نتیجه بعد از کشف این رابطه، لذت فراوان تری را بهره‌ی خود خواهد ساخت.

تشبیهات مرکب سعدی به نوعی با زندگی روزمره‌ی مردم گره خورده است و گویی آینه‌ای است که خوانندگان جلوه‌های درونی و ذهنی خود را در آن به تماشا می‌نشینند و همین مسأله آن‌ها را زیبا و دلچسب نموده است.

بسیاری از تشبیهات مرکب او از نوع تشبیه تمثیل است که مخاطب آن عامه‌ی جامعه است و مردم در محاورات خود بیشتر از آن سود می‌جویند و این شیوه با منش سعدی که یک شاعر اجتماعی است، سازگاری دارد. عبدالقاهر جرجانی در باره‌ی علل زیبایی تشبیه تمثیل معتقد است که تمثیل جامعه‌ی ابهت بر معانی می‌پوشاند و فضیلت و ارزش آنها را می‌افزاید و سبب

جلب دل ها به معانی می شود. مدح را باشکوه تر و فخیم تر نماید ممدوح را بیشتر تحت تأثیر قرار دهد و اگر با ذم همراه گردد، دردآورترگزننده تر باشد و در باب استدلال برهانش درخشان تر و چیرگیش فراوانتر باشد و برای اعتذار به قبول نزدیک تر و دلنشین تر در فرونشاندن خشم کارگتر است و اگر با وعظ همراه شود، در باز داشتن شخص از گناه رساتر است... (ضیف، ۱۳۸۳: ۲۶۴-۲۶۳).

منظور ما از تشبیهات مرکب تمثیلی همان است که شفیعی کدکنی «اسلوب معادله» می نامد (شفیعی - کدکنی، ۱۳۶۶: ۸۴) که در آن هر دو طرف تشبیه؛ یعنی مشبه و مشبه به مذکور است، نه تمثیل در معنایی که در بلاغت فرنگی رایج است و معادل «Allegory» است و به آن «مجاز مرکب بالاستعاره» نیز اطلاق می شود. بدیهی است که تمثیل در معنای فرنگی آن نمی تواند در غزل دوره ی مورد بحث ما جایگاهی داشته باشد و حوزه ی رواج آن ادبیات روایی، داستانی، حماسی و نمایشنامه است.

تشبیهات مرکب تمثیلی معمولاً نکته ای حکمی و اخلاقی را در خود به همراه دارد. بنابراین تشبیهات مرکب سعدی را باید دروازه ی واقعی ورود به سبک هندی، در زمینه ی تشبیه مرکب تمثیلی و مخصوصاً غزل صائب دانست.

۹- عراقی

بسامد تشبیهات مرکب عراقی با حدود ۲۲٪ در میانه های جدول مقایسه ای تشبیه مرکب در این دوره قرار می گیرد. از بررسی ۳۱ غزل وی هفت مورد تشبیه مرکب شامل: چهار تشبیه مرکب به مرکب، یک تشبیه مرکب به مقید، یک تشبیه مرکب به مفرد و یک تشبیه مفرد به مرکب به دست آمد.

نمونه هایی از تشبیهات مرکب به مرکب:

مست ساقی به رنگ و بو چه کند حاضران را چه کار با پیغام

(عراقی، ۱۳۶۸: ۱۷۱)

چون شدم مست از شراب عشق عظم گو برو گر فرو شست آب حیوان نقش دیواری چه شد؟

(همان: ۱۸۷)

تشبیه مرکب به مفرد:

خود هر چه به جز تو در جهان است هست آن چو سراب یا صدایی

(همان: ۲۹۷)

تشبیه مرکب به مفرد:

پس در همچو جارویی که پیوست میان در بسته بهر رفت و رویی

(همان: ۳۰۲)

تشبیه مرکب به مقید:

چون حلقه بر این در ای عراقی می باش به گرد او که دانسد

(همان: ۱۹۱)

چنان که مشاهده می شود، تشبیهات مرکب عراقی به پیروی از مشرب عقیدتی وی، کاملاً رنگ و بوی عرفانی دارد و مضامین آن ها تکراری است و تصرف او بیشتر در ساختار ترکیبی تشبیهات است، نه در خلق مضامین جدید و ابتکاری.

۱۰- خواجوی کرمانی

فراوانی تشبیه مرکب در غزلیات خواجو در جدول مقایسه‌ای این نوع تشبیه حدود ۴۰٪ است که بعد از سعدی رتبه‌ی دوم را به خود اختصاص داده است. از بررسی ۸۱ غزل وی، ۳۲ تشبیه مرکب شامل: ۲۶ تشبیه مرکب به مرکب، یک تشبیه مرکب به مقید، دو تشبیه مقید به مرکب و سه تشبیه از نوع مفرد به مرکب یافت شد. موضوعات تشبیه نیز عموماً همچون غزل دیگر شعرا، توصیف و بیان حال شاعر است.

در تشبیهات مرکب خواجو عنصر ابتکار و نوآوری به خوبی به چشم می خورد و از این نظر سرآمد دوران خود است. شاید یکی از بد اقبالی های او، هم عصر بودن با حافظ باشد و گر نه نخلبندی های او در زمینه تشبیه مرکب، منحصر به فرد است.

نمونه هایی از تشبیه مرکب به مرکب:

بر بناگوش تو خال حبشی هرکه بدید گفت بر گوشه ی خورشید نشسته است بلال
(خواجو، ۱۳۷۴: ۲۹۹)

تشبیه در بیت بالا با تناسب های تلمیحی که میان واژه های آن برقرار شده، بسیار بدیع افتاده و تشبیه خیالی زیبایی ساخته است.

هر که را وجدی نباشد کی بغلتاند سماع؟ آتشی باید که تا دودی به روزن بر شود
(همان: ۴۲۶)

چشم را دربند تا در دل نیاید غیر دوست گر در مسجد نبندی سگ به مسجد در شود
(همان: ۴۲۶)

در این بیت نیز هر چه غیر دوست، نجس العین تصور شده است که باید دروازه ی مسجد دل (چشم) را به رویش بست و از ورود او ممانعت کرد.

روح را کس نکند دستخوش نفس خسیس عاقلان آینه ی چین نفرستند به زنگ
(همان: ۴۰۵)

گویی همین بیت است که بعداً در سبک هندی، دستمایه ی شعرا در ضدیت و دشمنی زنگیان با آینه قرار گرفته است: چنان که صائب گوید:

به شب ز حلقه ی اهل گناه کن شبگیر دلی چو آینه داری به زنگبار مخسب
(صائب، ۱۳۷۰، ج اول: ۴۵۲)

بنگر در اشک مستان عکس مال ساقی همچون قمر که سازد جام شراب منزل
(خواجو، ۱۳۷۴: ۷۱۶)

این تشبیه نیز ابتکاری و تازه است؛ زیرا که شاعران معمولاً عکس ماه را در آب نمایش می دهند، اما در این جا تصویر ماه در جام شراب افتاده تا تناسب چشم مستان با آن برقرار شود و بیانگر قرب و وصال عاشق به معشوق هم باشد، ضمن این که ایهام گونه‌ای نیز به منازل فلکی ماه دارد که البته در این جا مدّ نظر نیست.

در دیده ی من خیال قُدت چون سرو ز طرف چشمه رسته
(همان: ۷۵۶)

کی شکسبد دلم از چشمه‌ی نوشت هیهات تشنه در بادیه چون بگذرد از آب زلال؟
(همان: ۲۹۹)

جان چه ارزد که برم تحفه به جانان هیهات همه دانند که کس زیره به کرمان نبرد
(همان: ۶۶۶)

در بیت بالا ضمن بیان حال خود، آن را با فرهنگ عامه نیز آمیخته و تشبیه تمثیل ساخته است، گویی شاعر می خواسته بر کرمانی بودن خود نیز صحّه بگذارد.

تشبیه مفرد به مرکب:

چون به مهمانخانه‌ی قدسم سماع انس بود آسمان را سبزه ای بر گوشه‌ی خوان یافتم
(همان: ۷۳۱)

تشبیه مرکب به مقید:

هر که در صحبت آن شاخ صنوبر بنشست همچو باد سحری از سر بستان برخاست
(همان: ۶۴۰)

در بیت فوق جزء اول مشبه را با یک استعاره‌ی مصرحه در هم آمیخته و مشبه مرکب ساخته است که نشان از قوت تخیل و ذهن استعاره گرای شاعر دارد.

بسامد تشبیهات مرکب در موضوع بیان حال شاعر، در غزلیات خواجه پایین تر از موضوع توصیف است و تشبیهات وصفی او نیز بیشتر در وصف معشوق و محبوب است؛ گویی شاعر از شدت استغراق و محو در جمال معشوق، مجال پرداختن و توجه به خود را نداشته است؛ چنان که همین امر در مورد تشبیهات غزل مولانا نیز صادق است.

۱۱- سلمان ساوجی

بسامد تشبیهات مرکب سلمان با حدود ۷٪ بعد از جمال الدین عبدالرزاق در پایین ترین سطح در جدول مقایسه‌ای تشبیه مرکب در این دوره قرار دارد؛ چنان که در ۴۴ غزل مطالعه شده، تنها سه تشبیه مرکب به مرکب در موضوع توصیف و بیان حال شاعر دیده شد. تشبیهات مرکب سلمان به دور از لطف و زیبایی سروده شده و خلاقیت و ابتکاری در آن‌ها به چشم نمی‌خورد.

نمونه‌هایی از تشبیهات مرکب به مرکب سلمان:

به غیر نقش تو در دیده هرچه می‌آید / نظر معاینه نقشی بر آب می‌بیند

(سلمان، بی تا: ۴۲۸)

اهل دل را به خرابات مغان ره ندهند / رخت تن را به سراپرده‌ی جان ره ندهند

(سلمان: ۴۳۱)

۱۲- حافظ

حافظ هم اقبال چندانی به تشبیه مرکب از خود نشان نداده است و گویی از مطالعه‌ی آثار پیشینیان و هم عصران خود به این حقیقت پی برده است که این نوع تشبیه قله‌های ترقی و کمال خود را طی کرده است و کوشش ذهنی او ممکن است در این وادی توفیق چندانی حاصل نکند و در مفاک تقلید فرو افتد؛ بنابراین ترجیح می‌دهد، سمند خیال خود را در میدان‌های دیگر، مثلاً ابهام سرایی و ایهام‌گویی به جولان درآورد.

فراوانی تشبیهات مرکب حافظ حدود ۱۶٪؛ یعنی در حدّ انوری است. از بررسی ۴۹ غزل حافظ تنها هشت تشبیه مرکب، شامل: شش تشبیه مرکب به مرکب و دو تشبیه مقید به مرکب به دست آمد.

نمونه هایی از تشبیهات مرکب به مرکب:

هوای کوی از سر نمی رود بیرون غریب را دل سرگشته با وطن باشد

(حافظ، بی تا: ۱۰۹)

گوهر پاک تو از مدحت ما مستغنی است فکر مشاطه چه با حسن خدا داد کند
حافظ از میل به ابروی تو دارد شاید جای در گوشه‌ی محراب کنند اهل کلام

(همان: ۲۱۱)

نمونه ای از تشبیه مقید به مرکب:

شرح شکن زلف خم اندر خم جانان کوه نتوان کرد که این قصه دراز است
بار دل مجنون و خم طره ی لیلی رخساره‌ی محمود و کف پای ایاز است

(همان: ۲۹)

در دو بیت آخر، شاعر با بهره گیری از تعدد مشبّه به، دو داستان طولانی را در نهایت ایجاز بیان داشته است.

آنچه از همین تعداد اندک تشبیهات مرکب حافظ می توان فهمید، این است که اگر او به صورت جدّی به تشبیه مرکب در اشعار خود می پرداخت، همان شیوه‌ی سعدی را در پیش می گرفت و تشبیه تمثیل را سرلوحه‌ی کارخویش قرار می داد، و شاید همین روح تقلید ناپذیری و استقلال فکری او باعث شده است که گرایش چندانی به این نوع تشبیه از خود نشان ندهد و نوآوری ها و خلاقیت هایش را در دیگر وادی های صور خیال به نمایش گذارد.

بحثی پیرامون تشبیه مرکب تخیلی در غزل دوره‌ی عراقی

تشبیه مرکب تخیلی، تشبیه‌ای است که مشبّه به آن وجود خارجی نداشته باشد و تنها در خیال خود بتوان آن را تصور کرد (جرجانی، ۱۳۶۱: ۹۹).

تشبیهات مرکب تخیلی نیز همچون تشبیهات تمثیلی، در حوزه‌ی تشبیه مرکب، از اسباب و لوازم زیبایی و اعتبار این نوع تشبیه است و هر چه بسامد تشبیهات مرکب تخیلی در شعر شاعری بالاتر باشد، شعر او از منزلت و ارزش بیشتری در میان آثار دیگر شاعران برخوردار خواهد بود.

در بررسی غزل‌های شاعران این دوره، تنها در نیمی از آثار آن‌ها به تشبیهات مرکب تخیلی برخوردیم که از جنبه‌ی زیباشناسی تفاوت فاحشی میان آن‌ها به چشم می‌خورد. از مجموع ۱۵۹ تشبیه مرکب به دست آمده در غزل‌های مورد مطالعه‌ی این عصر، فقط ۱۴ مورد از نوع مرکب تخیلی است، که آمار قابل توجهی به حساب نمی‌آید. از طرفی دیگر، پراکندگی این تشبیهات نیز در همه‌ی آثار یکسان نیست و برخی شاعران برجستگی ویژه‌ای در این زمینه دارند.

انوری با دو تشبیه، عطار با یک، مولوی با سه، عراقی با یک، خواجه با شش و سلمان با یک تشبیه، از کسانی هستند که در غزل‌های خود از تشبیه مرکب تخیلی بهره‌جسته‌اند و از میان اینها تشبیهات مرکب تخیلی خواجه و انوری از زیبایی و ارزش ویژه‌ای برخوردار است. برای داوری ذهن خوانندگان در باب تشبیهات مرکب تخیلی شاعران این دوره، در ذیل به ذکر همه‌ی تشبیهات از این نوع می‌پردازیم.

انوری:

خط تو بر خد تو چو بر شیر پای مور زلف تو بر رخ تو چو بر می پر غراب

(انوری، ۱۳۷۶: ۷۷۰)

بر عارض تو حلقه‌ی زلف تو گویا کز مشک چشم‌هاست به گلبرگ تر رقم

(همان: ۸۷۱)

عطار:

مثال تو در این کنج خرابات مثال سایه ای در آفتاب است
(عطار، ۱۳۷۵: ۲۸)

مولوی:

در میان طره‌اش رخسار چون آتش ببین گو میان مشک و عنبر مجمری را یافتم
(همان، ج سوم: ۲۹۰)

چون میان طره‌اش در یافتم دل را عجب در درون مشک رفتم عنبری را یافتم
(همان: ۲۹۰)

چراغی است تمییز در سینه روشن رهاند تو را از فریب و دغایی
(همان، ج هفتم: ۱۲)

عراقی:

چون شدم مست از شراب عشق عقلم گو برو و گرفتار شدم آب حیوان نقش دیواری چه شد
(عراقی، ۱۳۶۸: ۱۸۷)

خواجو:

پرتو روی چو ماه تو در آن زلف سیاه راستی را چه شب تیره و خوش مهتابی است
(خواجو، ۱۳۷۴: ۲۱۴)

گلستان رخت در دلستانی بهشتی بر سر سرو روان است
(همان: ۲۱۹)

بر بناگوش تو خال حبشی هر که بدید گفت برگوشه خورشید نشست است بلال
(همان: ۲۹۹)

آن مرغ که برکنگره‌ی عرش نشیند ماییم که طاوس گلستان جنانیم

(همان: ۴۶۵)

زلف مشکین چون براندازد ز رخ روز روشن در شب تاریش بین

(همان: ۴۷۵)

ره چون برم به کویت ز آنرو که نادر افتد در آشیان عنقا کرده ذباب منزل

(همان: ۷۱۶)

سلمان:

به غیر نقش تو در دیده هر چه می آید نظر معاینه نقشی بر آب می بیند

(سلمان، بی تا: ۴۲۸)

نتیجه

تشبیه مرکب در نظر اهل بلاغت جایگاه ویژه ای در متون ادبی دارد و تأثیر آن بر جان و دل خواننده انکار ناپذیر است. عبدالقاهر جرجانی در اسرارالبلاغه خویش، در زمینه‌ی این تشبیه و میزان اثر بخشی آن در معانی، به طور میسوط، قلم فرسایی کرده است. از بررسی این تشبیه در غزل سبک عراقی نتایج زیر به دست آمد:

۱- منحنی فراوانی تشبیهات مرکب در این دوره سیر یکسانی ندارد؛ بلکه دارای پستی و بلندی است و در پایان این دوره، سیر نزولی در پیش گرفته است.

۲- میزان تشبیهات مرکب در غزل سنایی و خاقانی اندک است؛ اما فراوانی این تشبیه در غزل انوری رو به افزایش است و تشبیهات مرکب او ابداعی و زیباست و خلاقیت ذهنی او را به خوبی نشان می دهد.

۳- فراوانی این تشبیه در غزل عطار و مولانا، که مشرب عرفانی دارند، نزدیک به هم است و آوردن واژه‌ی مشترک میان مشبه و مشبه به در تشبیهات مرکب به مفرد از ابداعات مولوی و تا حدودی عطار است؛ اما اغراض تشبیهات مرکب مولانا به سبب گستردگی مشرب عرفانی خاص

او، وسیع و دامنه دار است و هر اندیشه ای را به شیوه ای زیبا و ابتکاری در تشبیهات خود گنجانیده است.

۴- ساختار تشبیهات مرکب کمال الدین اسماعیل، تشابه خاصی با تشبیهات مرکب منوچهری دارد.

۵- در میان شاعران مورد بحث این دوره، سعدی اولین کسی است که تشبیه مرکب تمثیل (اسلوب معادله) را به زیبایی هر چه تمامتر در تشبیهات مرکب خود به کار برده است.

۶- عنصر ابتکار و نوآوری در تشبیهات مرکب خواجه به خوبی به چشم می خورد و از این نظر سرآمد دوران خود است.

۷- حافظ اقبال چندانانی به تشبیه مرکب از خود نشان نداده است و خیال خود را در زمینه هایی همچون ابهام - سرایی و ابهام گویی محک زده است.

۸- در زمینه تشبیهات مرکب تخیلی، تفاوت معنی داری در غزل شاعران این دوره مشاهده می شود؛ چنان که از دوازده شاعر مورد بحث، تنها در آثار شش نفر از آن ها تشبیه مرکب تخیلی به چشم آمد و در میان این شش نفر نیز، تشبیهات خواجه و انوری قابل اعتنا است و خلاقیت و نوآوری زیبایی از خود به نمایش گذاشته اند.

منابع

- ۱- انوری (۱۳۷۶) دیوان. به اهتمام محمد تقی مدرس رضوی. چاپ پنجم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲- تجلیل، جلیل (۱۳۶۸) *نقش بند سخن یا مجموعه مقالات ادبی*. چاپ اول. تهران: نشر اشراقیه.
- ۳- ثروتیان، بهروز (۱۳۸۳) *فن بیان در آفرینش خیال*. چاپ اول. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ۴- جرجانی، عبدالقاهر (۱۳۶۱) *اسرار البلاغه*. ترجمه جلیل تجلیل. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۵- جمال الدین محمد بن عبدالرزاق اصفهانی (۱۳۷۹) *دیوان*. به تصحیح وحید دستگردی. چاپ اول. تهران: موسسه انتشارات نگاه.
- ۶- حافظ شیرازی، شمس الدین محمد (بی تا) *دیوان*. به اهتمام محمد قزوینی و قاسم غنی. چاپ اول. تهران: کتابفروشی زوار.
- ۷- خاقانی شروانی (۱۳۷۴) *دیوان*. مقابله و تصحیح و مقدمه و تعلیقات ضیاء الدین سجادی. چاپ پنجم. تهران: انتشارات زوار.
- ۸- خواجوی کرمانی (۱۳۷۴) *دیوان*. به تصحیح احمد سهیلی خوانساری. چاپ سوم. تهران: انتشارات پازنگ و مرکز کرمان شناسی.
- ۹- سعدی شیرازی، شیخ مصلح الدین (۱۳۶۳) *کلیات*. به تصحیح محمد علی فروغی. چاپ سوم. تهران: نشر محمد.
- ۱۰- سلمان ساوجی (بی تا) *دیوان*. مقدمه و تصحیح ابوالقاسم حالت. به کوشش احمد کرمی. تهران: سلسله نشریات ما.
- ۱۱- سنایی، غزنوی (۱۳۸۵) *دیوان*. به سعی و اهتمام محمد تقی مدرس رضوی. چاپ ششم. تهران: انتشارات سنایی.
- ۱۲- شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۶۶) *صورتخیال در شعر فارسی*. چاپ سوم. تهران: انتشارات آگاه.

- ۱۳- شمسیا، سیروس (۱۳۷۱) بیان. چاپ دوم. تهران: انتشارات فردوس.
- ۱۴- _____ (۱۳۷۹) سبک شناسی شعر. چاپ ششم. تهران: انتشارات فردوس.
- ۱۵- صائب تبریزی (۱۳۷۰) دیوان. به کوشش محمد قهرمان. چاپ دوم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۶- طالبیان، یحیی (۱۳۷۸) صورخیال در شعر شاعران سبک خراسانی. چاپ اول. کرمان: موسسه فرهنگی و انتشاراتی عماد کرمانی.
- ۱۷- ضیف، شوقی (۱۳۸۳) تاریخ و تطور علوم بلاغت. ترجمه محمد رضا ترکی. چاپ اول. تهران: انتشارات سمت.
- ۱۸- عراقی، فخرالدین (۱۳۶۸) دیوان. تصحیح و مقدمه سعید نفیسی. چاپ پنجم. تهران: انتشارات سنایی.
- ۱۹- عطار، شیخ فرید الدین (۱۳۷۵) دیوان. به اهتمام و تصحیح تقی تفضلی. چاپ نهم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲۰- فاطمی، سید حسین (۱۳۶۴) تصویر گری در غزلیات شمس. چاپ اول. تهران: چاپخانه سپهر.
- ۲۱- فتوحی رود معجنی، محمود (۱۳۸۵) بلاغت تصویر. چاپ اول. تهران: انتشارات سخن.
- ۲۲- کمال الدین اسماعیل اصفهانی، خلاق المعانی ابوالفضل (۱۳۴۸) دیوان. به اهتمام حسین بحر العلومی. چاپ اول. تهران: کتابفروشی دهخدا.
- ۲۳- مولوی، جلال الدین محمد (۱۳۵۵) کلیات شمس. به تصحیح بدیع الزمان فروزانفر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۴- _____ (۱۳۶۸) مثنوی معنوی. به سعی و اهتمام و تصحیح رینولد نیکلسون. چاپ ششم. تهران: انتشارات مولی.
- ۲۵- الهاشمی، احمد (۱۳۷۵) جواهرالبلاغه. چاپ ششم. قم: مرکز انتشارات تبلیغات اسلامی.
- ۲۶- همایی، جلال الدین (۱۳۷۳) معانی و بیان. به کوشش ماهدخت بانو همایی. چاپ دوم. تهران: موسسه نشر هما.